اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا رسول الله و آله الطیبین الطاهرین المعصومین و اللعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین

اللهم وفقنا و جمیع المشتغلین و ارحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

**عرض کردیم مرحوم شیخ دیروز عرض کردیم که ایشان قبول کردند که ظاهرش این است که خیار را در جایی که باع مال غیره مع مال نفسه خیار را برای مشتری قبول کردند خیار تبع عوض صفقه ، اما برای بایع این خیار را قبول نکردند که از غنیه نقل کردند که برای بایع خیار نیست ، عرض کردیم این یک روایت واحده‌ای است در این مقام در این مساله و آن مساله روایت صفار است که توضیحات تاریخی‌اش هم گذشت که کتاب معتبری بوده در قم و مشایخ قم از او نقل کردند حتی عرض کردم جایی شده در کتاب فقیه جای دیگری نیامده مثلا مرحوم کلینی این کار را نکرده است .**

**مرحوم فقیه یک حدیثی است از کتاب کافی آورده می‌گوید روی ابو جعفر محمد بن یعقوب اسم می‌برد ، کم اسم کلینی را می‌برد اما اینجا اسم می‌برد و لکن می‌گوید من به این حدیث فتوا نمی‌دهم چون از امام عسکری توقیع به خلافش آمده است ، می‌خواهم بگویم توقیع صفار را در مقابل روایت امام صادق آورده و می‌گوید این توقیع مقدم است .**

**عرض کردیم مشهور شده بین اعلام که مرحوم صدوق اخذ به احدث می‌کند راست است ، لکن ایشان نمی‌گوید احدث ، آقایان گفتند ترجیح به احدث نه ایشان اخذ به اخیر می‌کند و آن از مقومات حجیت است از مرجحات نیست . علی ای توضیحاتش گذشت دیگر من تکرار نمی‌کنم ، کتاب معتبری است اخیرا هم بعضی از آقایان جمع کردند کل احادیث صفار را در یک جایی در این فصل نامه‌های علمی دیدم کلش را جمع کردند از مصادر ، البته این جمع ظاهری بد نیست اما اینها کار علمی می‌خواهد به این مقدار نمی‌شود اکتفا کرد .**

**و توضیح هم دادیم که انصافا قمی‌ها نقش خوبی داشتند در حدیث اهل بیت سلام الله علیهم اجمعین و اگر مستقلا این رویش کار بشود من عرض کردم کاری بسیار بسیار خوبی است ، انحاء کارهایی داشتند قمی‌ها یک مقدارش هم از اول حدیث به خاطر اینکه آن که در قم صاحب عنوان بود اشاعره بودند که عرب بودند و اضافه‌ی بر این لغت و تسهیل لغت خودشان هم جزو علماء و فقهاء و در حدیث هم کاملا مسلط و با قواعد تحدیث کاملا مسلط ما مشکلی که داریم این قسمت‌ها تدوین نشده یعنی به ما نرسیده است الان یک مشکل بزرگ ما این است . یعنی مشکلی که ما داریم مشکل این است که این قسمت‌ها که اینها مثلا چه ضوابط حدیثی ، مثلا ما می‌دانیم صدوق اخذ به احدث می‌کرد این مقدارش را فهمیدیم با اینکه روایت خذ بالاحدث این غیر از صدوق هم آوردند اما ایشان اخذ به احدث می‌کردند.**

**اما آیا مثلا کلینی هم این کار را می‌کرده یا نه این روشن نیست و بقیه‌ی قمی‌هایی که بودند و انصافا قم نقش بسیار بزرگی را در حدیث شیعه انجام داده در دو بخش حدیثی ما قم خیلی تاثیر گذار است ، یک بخشش که مربوط می‌شود به خود حدیث و تنقیح حدیث ، متن حدیث ، سند حدیث ، روشن کردنش که این بیشتر مثلا در مثل کافی منعکس شده است ، یک بخشش هم منتهی می‌شود به تنقیح کتابی که حدیث را آورده ، کتب را کتاب شناسی‌هایی که روی حدیث بوده است که این را اصطلاحا ما الان به آن فهرست می‌گوییم ، فهرست یعنی این .**

**این به جای اینکه در حدیث تک تک حدیث را کار بکند کتاب را بررسی کرده است مثلا کتاب حسین بن سعید ، کتاب حسن بن محبوب ، کتاب حریز بن عبدالله سجستانی ، کتاب‌ها را بررسی کردند . چون عرض کردیم این کتاب‌ها حالا حسین بن سعید که در اهواز نوشتند البته آثار حسین بن سعید را جزو قمی‌ها هم می‌شود حساب بیاوریم چون ایشان ، بعد ایشان را دعوت به قم کردند آمدند قم مدت کمی قم بودند فوت کردند در قم فوت کردند و آثار خودشان را هم در قم روایت کردند .**

**اگر ما آثار قمی را این طوری بدانیم چیزهایی که در قم روایت شده آثار حسین بن سعید هم قمی حساب می‌شود به خلاف آثار مثلا علی بن مهزیار ما در علمای اهواز این دو نفر خیلی بزرگوارند علی بن مهزیار و حسین بن سعید خیلی تاثیر گذارند و تنقیح احادیثشان ، روایاتشان ، کاری که کردند کار بسیار لطیفی است دیگر حالا چون من در محل خودش متعرض شدم دیگر اینجا متعرض نمی‌شوم .**

**حسین بن سعید در قم می‌آید در قم از او نقل کردند یکی از نسخی که ما الان از کتب حسین بن سعید داریم همین نسخه‌ای است که ایشان در قم نقل کرده است ، نسخه‌ی قم ایشان را هم داریم ، نسخه‌ای است که ایشان ، غیر از نسخه‌ی اهواز ، نسخه‌ای است که ایشان در قم نقل کردند و انصافا هم خیلی تاثیر گذار بودند و به حسب آن که به نظر می‌آید حالا خود اشاعره در این اشاعره انصافا با اینکه ما بزرگان اشعری زیاد داریم مثل احمد بن ادریس و اینها لکن انصافش احمد اشعری از همه‌شان به نظر من سرآمد است احمد بن محمد بن عیسی از همه‌ی اینها سرآمد است و مرد فوق العاده‌ای است .**

**لکن در تنقیح احادیث و تنقیح کتب به نظر ما باز ابن الولید شاید بیشتر تاثیر داشته است ، با اینکه ایشان قمی نیست اصلا اصلش از قم نیست ، نمی‌دانم از کجا آمده کاشان آمده کجا آمده ، نوشتند اصلش از قم نیست اما تعیین نکردند از کجاست ، ایشان هم خیلی استاد فن است خیلی فوق العاده است .**

**یکی از حضار : ایشان شاگرد محمد اشعری می‌شود ؟**

**آیت الله مددی : تلمیذش نه ، ایشان هم دوره‌ی کلینی است .**

**یکی از حضار : پس ابن الولید است**

**آیت الله مددی : ابن الولید هم دوره‌ی کلینی است دیگر ، بلکه یک نیم دوره‌ای بعد از کلینی است با اینکه یک نیم دوره‌ای بعد از کلینی است مشایخش از مشایخ قبل از کلینی هم نقل می‌کند معلوم می‌شود از همان اوائل جوانی در این خط بوده است با اینکه یک نیم دوره‌ای بعد از کلینی ، کلینی 329 است یا 328 است وفاتش علی المعروف البته ، 328 یا 329 اما ابن الولید 343 است ، 14 سال 15 سال بعد یک نیم دوره تقریبا ، یک نیم دوره‌ای بعد از کلینی است وفاتش بعد از کلینی است ، اما مرد فوق العاده‌ای است انصافا و یک مقدار زیادی الان ما این دو فهرست ما نجاشی و شیخ عیالٌ بر مرحوم ابن الولید هر دوی آنها از مرحوم ابن الولید زیاد نقل می‌کنند و یکی از شخصیت‌های بارز است انصافا باید قبول کرد خیلی فوق العاده است حدیث هم دارد ایشان در حدیث هم نقش دارد اما بیشترین نقش ایشان در فهرست است .**

**علی ای حال قمی‌ها در این قسمت خیلی کار کردند یک قسمت سومی هم عرض کردیم قمی‌ها در آن کار کردند و آن تولید علم است که اصلا سابقه نداشت این تولید علم اصطلاح من یعنی مثلا فرض کنید به اینکه همین توقیعات صفار ، ما نداریم غیر از صفار ، صفار که از اهل قم است به امام عسکری نوشته است ، از تولیدات قم همین توقیع معروف اما الحوادث الواقعة که اسحاق بن یعقوب توسط نایب حضرت نقل می‌کند .**

**از تولیدات قم روایات مفصلی است توقیعات حمیری ، 10 صفحه ، 12 صفحه است خیلی مفصل است ، توقیعات صفار هم مفصل است اما نه به این مفصلی ، توقیعات مرحوم حمیری خیلی مفصل است .**

**یکی از حضار : به صورت کلی می‌فرمایید تولید علم در مدینه بوده یا**

**آیت الله مددی : تولید یعنی صدور اولیه‌ی علم در مدینه از باقرین است سلام الله علیهما و حضرت سجاد ، اما نوشتن علم نوشتن شیعه ، معارف شیعه در کوفه است . اما در کوفه چون شیعه زیاد بودند کتاب‌ها زیاد بود ، خود علما موجود بودند ، شیعه سفر می‌کرد به مکه از امام صادق ، دقت کردید ، عواملی بود که روی کتاب‌ها زیاد کار نکردند بهترین کارها را در قم انجام دادند .**

**یکی از حضار : خوب این تنقیح شد ، قم تنقیح شد نه تولید .**

**آیت الله مددی : تولیدش مثلا توقیعات نبود در کوفه نبود اصلا ، همین توقیعات عسکری نبوده اصلا**

**یکی از حضار : نه شما بارها به صورت**

**آیت الله مددی : ما یک تولید دیگر هم در قم داریم اما برای قم نبوده تولیدش در قم شده مثل توقیعاتی که فرض کنید مثلا حمیری از امام هادی نقل می‌کند یعنی یکی از کارهایی که شد اصل این توقیعات ، البته ما توقیعات اولیه از ابی الحسن اول هم داریم یعنی از موسی بن جعفر اما عمده‌اش از کم کم از حضرت رضا ، حضرت جواد داریم که علی بن مهزیار است و اینهاست ، دیگر حضرت هادی زیاد داریم .**

**اینهایی که در ، می‌فهمم خوب این مقدار شعور دارم ، این تولیدات در قم نبوده ، شهرهای مختلف بودند مثلا تهران بوده ، ری بوده ، کاشان بوده ، علما رفتند آنجا و اینها را جمع کردند استفتائات را جمع کردند این استفتائات را اصطلاحا توقیعات می‌گفتند ، تولید اگر به این معنا باشد جمع آوری‌اش این در قم بوده است . اما نوشتن و به امام نوشتن برای قم نبوده است دقت کردید ؟**

**پس تولید قم در توقیعات دو جور است یکی‌اش جمع آوری‌اش در قم بوده است ، در قم اینها را جمع آوری کردند**

**یکی از حضار : تبدیل به کتاب شده است ؟**

**آیت الله مددی : ها تبدیل به کتاب ، آن وقت اینها باز بعضی‌ها آمدند مجموع اینها را هم باز جمع آوری کردند ، اصلا مرحوم حمیری اگر جمع آوری کرد ، مرحوم کذا جمع آوری کرد این باز جمع آوری‌ها را باز جمع آوری کردند که عرض کردم یکی از اینها در اختیار مرحوم ابن ادریس بوده است ، بخوانید آخر سرائر دارد ومن ذلک ما استطرفناه من مسائل الرجال و کتاباتهم الی ابی الحسن الثالث این برای امام هادی است ، ایشان یک مقداری هم از این کتاب آورده است .**

**این کتاب یک مجموعه‌ای است از چند تا مجموعه ، این کتاب احتمالا در بغداد جمع آوری شده است ، دیگر چون شرح مفصل می‌خواهد چون در حوزه‌های ما الحمدلله اینها شرح داده نمی‌شود بخواهیم شرح بدهیم خیلی خارج می‌شویم از بحث امروزمان کلا خارج می‌شویم ، این در بغداد احتمالا جمع آوری شده است ابن ادریس از این کتاب استطراف کرده است این کتاب خوبی است این کتابی که ، اسم این کتاب‌ها غالبا مسائل الرجال الی ابی الحسن الثالث اینکه ایشان آورده عنوانش در آوردید ؟ و من ذلک ما استطرفناه**

**یکی از حضار : و من ذلک ما استطرفناه من کتاب مسائل الرجال ومکاتباتهم مولانا**

**آیت الله مددی : ابی الحسن الثالث**

**یکی از حضار : علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر**

**آیت الله مددی : و اجوبتها**

**یکی از حضار : والاجوبة عن ذلک روایة ابی عبدالله احمد بن محمد بن عبید الله بن جوهری**

**آیت الله مددی : ببینید این روایت در اینجا این جمع آوری بوده این ابن جوهری که به این طول و تفصیل نوشت دیگر خودتان را مشوه نکنید این ابن عیاش معروف است ابن عیاش از مشایخ معروف بغداد است خیلی هم کثیر الروایة و خیلی هم آثار دارد ، نجاشی می‌گوید خیلی من از او حدیث شنیدم و از مشایخ نجاشی هم هست لکن می‌گوید رأیت اصحابنا یضعفونه لذا از او نقل نمی‌کنم ، از ابن عیاش ایشان نقل نمی‌کند ، مرحوم نجاشی رضوان الله تعالی علیه از ابن عیاش چون تضعیف شده نقل نمی‌کند اما ایشان خیلی آثار دارد یکی‌اش این است ، روایت ابی العباس اسم طولانی را خواندند ایشان ، ابن عیاش باید بگذاریم در اینجا کلمه‌ی ابن عیاش**

**و این کتاب طب الائمه و النبی والائمه هم برای همین ابن عیاش است و اینکه مثلا بعضی‌ها اسم نمی‌برم از رجالیون نوشتند ایشان گفته از ابن عیاش نقل نمی‌کنم اما در نجاشی نمی‌دانم شاید 10 – 20 مورد هست قال ابن عیاش باز مع ذلک از او نقل می‌کند . همین طب الائمه را از ابن عیاش نقل می‌کند ، نجاشی نقل می‌کند ، چون شیخ از ایشان نقل نمی‌کند ، نجاشی از ابن عیاش نقل می‌کند .**

**لکن توجه نکردند هیچ موردی مرحوم نجاشی نمی‌گوید حدثنی یا اخبرنی ابن عیاش ، تمام آن موارد می‌گوید قال ابن عیاش ، ذکر ابن عیاش ، خیلی دقیق است نجاشی . می‌گوید لم اروی عنه ، تنجنبت الروایة عنه یعنی نمی‌گوید حدثنی ، نمی‌گوید اخبرنی دقت کردید ؟ اما کلامش را می‌آورد . چرا چون احتمال می‌دهد که اینجا اشتباه نکرده باشد ، طب النبی را از ایشان می‌آورد .**

**عرض کردیم ابن عیاش متوفای 401 است شیخ 408 به بغداد آمده ، ابن عیاش از مشایخ منفرد مرحوم نجاشی است شیخ از ایشان نقل نمی‌کند . البته الان ما داریم در بعضی جاها حالا نمی‌دانم بگویم آدرسش را یا نه که شیخ طوسی عن ابن عیاش لکن ظاهرا حالا باید توجیه بکنیم قابل توجیه نیست ، مشکل است به هر حال ، به هر حال اسم نمی‌برم ، چون معروف است آن روایت معروف است نمی‌خواهم اسم ببرم .**

**علی ای حال داریم که شیخ از ابن عیاش ، شیخ از ابن عیاش نقل نمی‌کند این اشتباه شده است ، یا یک اجازه‌ای هست خطی هم هست گفتند نفیس است و فلان ، شیخ کتاب نهج البلاغة را از سید رضی نقل می‌کند این هم غلط است شیخ نهج البلاغة را درک نکرده است ، سید رضی 406 است ، شیخ 408 بغداد آمده است آن هم غلط است حالا خیلی برای آن اجازه ارزش قائل شدند آقایان ملتفت نشدند آقایان اصلا آن اجازه غلط است باطل است ، شیخ از سید رضی هم نقل نمی‌کند .**

**اصولا برای نهج البلاغة چند تا اجازه در این کتاب‌های متاخر که تحقیق کردند نوشتند ، عرض کردم ثابت نیست نزد ما هیچ کدامش ثابت نیست یعنی مشکلات فنی دارد حالا وارد بحثش نمی‌خواهم بشوم . علی ای حال این را ببینید می‌گوید روایة ابن عیاش ، این روایة یعنی نسخه‌ای که ابن عیاش این نسخه بغدادی است روشن شد ؟ این نسخه بغدادی است آن وقت ایشان ببینید بخوانید بعدش را روایة**

**یکی از حضار : روایة عبدالله بن جعفر الحمیری**

**آیت الله مددی : ها این عبدالله بن جعفر حمیری قمی است این استفتائاتی که حمیری در قم آورده ایشان در بغداد با همدیگر ضمیمه کرده لذا گفتیم نسخه ، نمی‌دانم روشن شد برای شما ؟ تاریخ کتاب یعنی ما جوری تصویر می‌کنیم کانما شما زمان ابن ادریس هستید قرن ششم هستید . این کتاب این طوری است ، کتاب را مرحوم ابن عیاش در قم یک مقدار نسخه‌هایش در بغداد جمع کرده است ، روایت در آن زمان به معنای چاپ بوده است ، روایت فلان ، چاپ فلان ، مثل چاپ قم مثلا ، چاپ لبنان ، این روایت ابن عیاش ، این روایت ابن عیاش خوب مرحوم ابن ادریس توجه نکرده ، چون ابن ادریس سند ندارد ، اصلا ابن ادریس اهل سند نیست اصلا .**

**ببینید آقایانی که مثلا بعضی‌ها برگشتند گفتند که مثلا ابن ادریس در سرائر سند به فلانی ندارد من مثلا دیدم یک جایی روایت فلان است این سند را به آن چسباندند آن را به آن چسباندند بالاخره یک سندی برای ابن ادریس بعد نوشته و عرضنا هذا التحقیق علی الاستاذ مراد آقای خوئی است فاستحسنه استاد تایید فرمودند ، نمی‌دانم حالا آقای خوئی اختیار خودشان را داشتند اصلا اینها توجه نکردند ابن ادریس قائل به حجیت خبر نیست سند چه می‌خواهد داشته باشد ، اجازه‌ی چه می‌خواهد داشته باشد ، با اوهام اجازه‌ی اوهام داشته باشد؟ خبر را حجت نمی‌داند ، دنبال چه می‌گردید ؟**

**وقتی خودش حدیث را کلا قبول ندارد ، لذا اینکه آقایان دیگر اسم نبردم ، چون چاپ شده با اینکه چاپ هم شده ، حالا تعجب هم هست به آقای خوئی نسبت داده من چون واقعا ، من آن که در درس آقای خوئی شنیدم کرارا از ایشان فقط همین کتاب نوادر محمد بن علی بن محبوب را قبول داشتند چون آن را هم نوشته به خط جد من ابو جعفر طوسی است مرحوم شیخ طوسی است .**

**چون ابن ادریس نوه‌ی دختری پسر شیخ طوسی است و لذا نوه‌ی شیخ طوسی هم حساب می‌شود ، ایشان نوه‌ی دختری پسر شیخ طوسی است می‌گوید کتاب نوادر را مرحوم جد من مرحوم شیخ طوسی به خط خودش نوشته من از او نقل می‌کنم ، آقای خوئی می‌فرمایند ما همین را قبول می‌کنیم از مستطرفات البته این مبنای اخیرشان ، قبلا قبول می‌کردند .**

**ما در بحث مکاسب توضیح دادیم یک حدیثی است از مستطرفات آورند تعبیر به صحیح**

**یکی از حضار : استاد چرا نظر ابن ادریس عوض شده یک ابتدا در فرایند تحصیل اجازاتی کسب کرده بعد نظرش عوض شده که نه اینها کافی نیست**

**آیت الله مددی : نه من چند دفعه عرض کردم شما اول می‌گویید ممکن است ، خیلی خوب ممکن است ممکن است جوابش هم ممکن است ، خوب اول این برای ممکن است ، آخر می‌گویند نتیجه تابع اخص مقدمات است ، خیلی از آقایان می‌گویند اگر ، خوب اگر آوردید در نتیجه هم اگر بیاورید ، بله دقت کردید ؟ شما اول فرمودید ممکن است بله ممکن است ، نتیجه هم ممکن است چه می‌خواهید نتیجه بگیرید ؟ محال نباشد ، چه اثری دارد ، مسائل واقعی که بحث محال و اینها نمی‌خواهیم ما نگفتیم محال است که اجازه بگیرد ، بحث استحاله مطرح نیست ، شواهد موید نیست که ایشان دنبال این خط بوده اصلا قبول نداشته است . یعنی بعبارة اخری مثل ما دیگر به نحو وجاده شما می‌روید کافی را از بازار می‌خرید نقل می‌کنید .**

**یک آقایی می‌گفت که گفتند مثلا این اجازه تشریفاتی است این طور هم نیست که اینها حالا بین علما ، چند تا هم نقل کرد که می‌گویند، اینها خیال کردند اجازه‌ی تشریفاتی است مثلا الان شما مثلا از کافی نقل می‌کنید بعد یک اجازه هم فرض کنید از مثل آقای مرعشی می‌گیرید که مثلا از کتب سابقین من جمله کافی باز هم وقتی می‌خواهید نقل بکنید می‌گویید در کافی مثلا ، یعنی وقتی اجازه هم بگیرید باز از همین کافی بازار نقل می‌کنید دیگر از جای دیگر که نقل نمی‌کنید نسخه‌ی آقای مرعشی را که ما نداریم که می‌گویم فرق نمی‌کند .**

**من توضیح دادم این مشکل بزرگی ما داریم این است که این اصطلاحات محدثین را ما مراعات نمی‌کنیم متاسفانه ، متاسفانه در میان اهل سنت از معاصرینشان من دیدم می‌گوید اگر شما خواستید مطلبی را از کافی نقل بکنید خوب دقت کنید ، اگر اجازه دارید یک جور است ، اجازه ها نه اینکه ، کتاب که به هر حال وجاده است در بازار خریدید ، اگر اجازه ندارید بگویید فی الکافی ، اگر اجازه دارید بگویید عن الکافی**

**یکی از حضار : خوب فرقش چه می‌شود ؟**

**آیت الله مددی : چون اجازه دارم**

**یکی از حضار : اجازه به چه درد می‌خورد ؟**

**آیت الله مددی : خوب به درد این ، این دقت تعبیر این خیلی مهم است دقت کردید ؟**

**بعضی‌ها اینقدر تساهل دارند ، بعضی‌های اینقدر دقت دارند . شما به هر حال چه اجازه بگیرید چه نگیرید از همین کافی چاپ بازار می‌خرید دیگر از همین است دیگر دقت می‌کنید چه می‌خواهم بگویم ، شما از این نقل می‌کنید . اما می‌گوید اگر وقتی کتاب را مستقیم می‌خواهید از او نقل بکنید بدون اجازه است بگو فی الکافی ، اما اگر می‌خواهید می‌گویید من اجازه دارم به کتاب بگو عن الکافی یعنی من اجازه دارم غیر از این که از این نسخه نقل می‌کنم به کتاب هم اجازه دارم این دقت‌هایی است که شده است .**

**و لذا عرض کردیم این مثل سهل بن زیاد را که احمد اشعری از قم بیرون کرد و بله و شهد علیه بالکذب ، کذب مراد این نیست که سهل دروغ می‌گفت توضیح دادیم چند بار دروغ نمی‌گفت سهل نمی‌شود که دروغ بگوید مرحوم کلینی نزدیک دو هزار ، هزار و هشتصد تا حدیث از اول نقل کرده است نمی‌شود دروغگو باشد این مقبول نیست که .**

**عرض کردیم سهل بن زیاد متقید به قواعد تحدیث نیست مثلا اگر رفته کتاب وشاء را در بازار خریده می‌گوید عن الوشاء چرا می‌گوید چون به عقیده‌ی من ، من که نگفتم حدثنی الوشاء گفتم عن الوشاء ، کلمه‌ی عن عنه اعم از اتصال است اصطلاحش اینطوری است وقتی گفتم عن لازم نیست از او شنیده باشم ، کتاب هم که در بازار کوفه زیاد بود در بازار کوفه کتاب وشاء موجود بود نسخش ، من از کتاب وشاء، وشاء هم زنده بود من از کتاب وشاء که در بازار بود نقل می‌کنم . احمد اشعری می‌گفت نه اگر گفتی عن الوشاء یعنی شنیدم از وشاء یا قرأت علیه ، اگر سماع و قرائت نباشد عن نگو ، دقت کردید ؟**

**این کذب ، کذب اصطلاحی است یعنی مراعات قواعد تحدیث را نمی‌کند ، متاسفانه علمای ما خیال کردند ایشان کذاب است سنی‌ها دیگر بدتر که احمد اشعری گفته ایشان کذاب است کلینی از ایشان 1800 تا حدیث نقل کرده است خوب آن معقول نیست یک چیزی بگویید که معقول باشد سر و ته حرف‌ها به هم بخورد ، معقول نیست که کلینی از انسان کذاب 1800 تا حدیث نقل بکند در کتاب کافی . آقایان ما هم توجه نکردند نه این مراد مرحوم احمد اشعری این است و لذا مرحوم ، خیلی عجیب است نجاشی هم واقعا اینجا غوغا کرده مرحوم نجاشی اینطور می‌گوید ابو سعید سهل بن زیاد الادمی کان ضعیفا فی الحدیث ببینید ، غیر معتمد علیه فیه ، ضعیف فی الحدیث است عرض کردیم ضعیف فی الحدیث تضعیف نیست ، کان ضعیفا تضعیف است ضعیف فی الحدیث تضعیف نیست .**

**ضعیف فی الحدیث یعنی قواعد تحدیث را مراعات نمی‌کند ، جایی که وجاده است بگویید وجاده است ، جایی که سماع است بگویید سماع است جایی که مناوله است بگویید مناوله است ، هفت تا طریق تحمل حدیث است اینها اجازه است ، همه را بگوید و این مبنا بوده است عرض کردم شاید علمای اهل سنت متعرض شدند 96 درصد ، 95 درصدشان می‌گویند عن عنه مطابق با اتصال است تا سماع و قرائت نباشد نباید بگوید عن**

**یکی از حضار : غضائری می‌گوید فاسد الروایة و... المذهب**

**آیت الله مددی : چه کسی آقا ؟**

**یکی از حضار : غضائری**

**آیت الله مددی : خوب آن را رها کنید غضائری جور دیگر است .**

**و این احتمال فاسد المذهب هم غلو سیاسی ، چرا احتمال غلو سیاسی هست این احتمالش قوی است احتمال قوی سیاسی ایشان قوی است اما ربطی به غلو آن جور ندارد دقت کردید آقا این مطالب را خوب دقت کنید . یعنی اگر که چیزی را از کتاب سهل دیدیم روی خود حدیث او اعتماد نکنیم با شواهد دیگر و لذا احتمالا کلینی وقتی می‌گوید سهل عن الوشاء در نسخه‌ی دیگر وشاء هم دیده نه اینکه تشریفات است تشریفات نیست ، روی کلام ایشان به تنهایی اکتفا نکرده است دقت کردید ؟ اینکه نجاشی اول خودش حکم می‌کند بعد کلام احمد را آورده است تصادفا شیخ طوسی هم نقل نمی‌کند این را فقط نجاشی می‌گوید ، می‌گوید کان ضعیفا فی الحدیث و قد کان احمد بن محمد بن عیسی شهد علیه بالکذب و الغلو و اخرجه من قم از بحث هم باز خارج شدیم چون یکی از اشتباهاتی است که آمده است .**

**چون آخر نمی‌دانید شما خیلی این روزها به ما حمله می‌شود به شیعه و آقایان علمای ما نمی‌توانند درست جواب بدهند که این مرادش مراعات قواعد تحدیث نزد اهل سنت هم زیاد داریم ، لا اقل یک چیزی 4 – 5 درصد ، 5 – 6 درصد اهل سنت گفتند عن عنه اعم است ولو شامل وجاده باشد می‌گوید عن ، نگفتیم که من شنیدم نگفتیم سمعت ، می‌گویید عن الوشاء از کتابش نقل کردید دقت کردید ؟ این یک مساله‌ای بوده که از قدیم مطرح بوده مساله‌ی جدیدی نیست اما با این عنوان در کتب حدیثی ما مطرح نشده است در کتب رجالی ما مطرح نشده است .**

**یکی از حضار : استاد اینکه یک نفر عن را اشتباه بگوید با اینکه از شهر او را بیرون بیاندازند گرگ‌ها او را بخورند بعد بگویند دروغ گفت این تناسب ندارد خیلی**

**آیت الله مددی : چرا خوب دروغ می‌گوید خوب ،**

**یکی از حضار : آقا طرف حدیث نقل می‌کرده خوب بقال‌ها را هم باید بیرون می‌کردند دیگر**

**آیت الله مددی : بله آقا ؟**

**یکی از حضار : حدیث را درست خیلی مرتب نمی‌گفته**

**آیت الله مددی : یعنی قواعد تحدیث عزیز من یک فنی است ، الان من به شما این مطلب را گفتم علمای ما مراعات نمی‌کنند ، علمای ما فی الکافی می‌گویند عن الکافی هم می‌گویند فرقی نمی‌کند ، این**

**یکی از حضار : بیرون کردن ندارد ، این بیرون کردن دارد این مساله‌ای است که یک کسی را باید بیرون کنند ، غلو سیاسی الان تاییدیه‌ی مشخصی دارید به خاطر غلو سیاسی بیرون کردند ؟**

**آیت الله مددی : بله واضح است شهد علیه بالکذب والغلو هر دو**

**یکی از حضار : چه کار می‌کرده مثلا ؟**

**آیت الله مددی : غلو سیاسی چون خود احمد اشعری با دستگاه بود نماینده‌ی دستگاه بود چون اینها تابع ری بودند کان یلقی السلطان صاحب السلطان آن وقت اینها که مخالفت با حکومت می‌کردند خوب با احمد اشعری هم می‌شد دیگر .**

**یکی از حضار : کمک مسلحانه می‌کردند ؟**

**آیت الله مددی : نه در حد عده‌ای در حد کمک مسلحانه بود امثال اینها واضح نیست ، عده‌ای در حد مخالفت و مبارزه که ما باید با اینها مبارزه کنیم انحاء مبارزه‌ای که می‌کردند حتی گاه گاهی می‌شد که با ملاحده و ملحدین و کسانی که با شریعت مخالفند لکن با حکومت بغداد مخالفند با آنها اتحاد پیدا می‌کردند برای اینکه حکومت بغداد را از بین ببرند .**

**یکی از حضار : این را می‌گویند غلو سیاسی ؟**

**آیت الله مددی : این غلو سیاسی است .**

**یکی از حضار : مسلحانه غلو سیاسی است**

**آیت الله مددی : آن هم غلو سیاسی است ، یعنی الی آخره دیگر حالا خیلی الان هم برای ما دردسر درست می‌کنید ، الان صحبت الان را مطرح نکنید .**

**علی ای حال این بیرون کردنش به خاطر این جهت است و الا ما در قم مثل غلات داریم از غلات نقل می‌کنند مشکل نداشته ، غلو تنها نبوده است این کذب ، کذبش هم روی این جهت . بعد هم کلینی انصافا خوب حقش را به او داده است حدود 1800 تا حدیث ما در کافی از سهل بن زیاد داریم ، این به یک فکری باید آقایان ما من از بحث خارج شدم قبول دارم لکن آقایان ما باید یک فکری بکنند برای دفاع از مسائل شیعه چون یک چیزهایی را ما نوشتیم الان من نگاه می‌کنم من مطلع هستم بر نوشتار معاصر خیلی حمله‌ی به شیعه که می‌شود یکی از حملات همین است خوب دیگر و اینها ملتفت نیستند .**

**فرض کنید مثلا شیخ طوسی نوشته که اکثر اصحاب بزرگان اصحاب رفتند به خط واقفیه کم ماندند تدریجا برگشتند به حضرت رضا خوب این را سنی‌ها نوشتند ، نوشتند این شیعه‌ای که می‌گوید دوازده امام حدیثش ثابت است چطور بزرگان اصحاب بعد از موسی بن جعفر قبول نکردند خوب هفت تا می‌شود با موسی بن جعفر ، مرحوم شیخ طوسی اخباری است این را واقفیه ، واقفیه چون حزب است تشکیلات است این واقفیه دروغی بود که واقفیه درآوردند شیخ طوسی هم توجه نکرده برداشته آورده است خوب اینها آبروی مذهب را می‌برد اینها را ملتفت هستید چه می‌خواهم بگویم ؟ توجه نکردن به این نکات و ظرافت‌ها مذهب را زیر سوال می‌برد ، یعنی مذهبی که**

**شما می‌گویید این جزو مسلمات بوده امامت چطور می‌شود بزرگان شیعه برگشتند از ، به حضرت رضا ایمان نیاوردند واقفیه بود ، این را هم شیخ آورده است کسی غیر از شیخ نیاورده است . عرض کردم اصولا مرحوم شیخ نقلیات زیادی آورده و این منشاء اشکال شده یعنی ایشان توجه نکرده مرحوم شیخ ، حالا شیخ روی یک صفای باطن این مطلب را آوردند این دروغ‌هایی است که واقفیه درآوردند . الان هم احزاب همینطور هستند برای خودشان جمعیت درست می‌کنند اصالت درست می‌کنند این دیگر رسمش است دیگر این سر و صدا درست کردن یک امر متعارفی است چیز تازه‌ای نیست که .**

**این واقفیه برای خودشان این دروغ را درآوردند که همه‌ی اصحاب برگشتند اجلاء اصحاب برگشتند به واقفیه کمی ماندند به حضرت رضا نیست این مطلب دروغ است اساسا اما الان می‌نویسند ، الان کتاب‌های اهل سنت می‌نویسند و به ما هم حمله می‌کنند . مصدرشان هم منحصر به شیخ است دقت فرمودید ؟ منحصرا مرحوم شیخ این مطلب را آورده است .**

**و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین**